

هلال رمضان بر چه چیزی شهادت خواهد داد؟

عبدالله هروی

سرمقاله

حادثه میدان باید تحقیق شود

محمد رضا هویدا

حادثه جلریز ولایت میدان وردک، در نوع خود حادثه ای منحصر به فرد در دوره حکومت جدید نیست. حوادثی در کشور، خصوصا در ماه های اخیر رخ داده است که نشانه های ضعف مدیریت و رسیدگی به امور نظامی در کشور را می رساند و به نظر از آگاهان امور افغانستان، اگر به درستی بررسی نشود، در آینده به عواقب وخیمی برای کشور منتهی خواهد شد.

اما این حادثه خصوصیات و مشخصاتی داشته است که برای مردم افغانستان غیر قابل تحمل است. نکاتی در این حادثه وجود داشته که آن را از یک حادثه نظامی صرف و درگیری میان سربازان دولتی و طالبان متمایز می سازد. از طرفی این حادثه، حوادث دیگری را نیز به خاطر می آورد که باید پاسخ داده شوند.

یکی از سوالات این است، در صورت بروز چنین حالتی که شماری از پسته های نظامی با حمله طالبان و یا هر گروه تروریست دیگری مواجه شوند، و نیاز به کمک داشته باشند، مقامات مسئول نظامی در ولایات و یا ولسوالی ها و بالاتر از آنها در مرکز بر چه اساسی اقدامات لازم را انجام خواهند داد. اصولا نقش فرماندان امنیه در یک ولایت چیست و چگونه یک قوماندان امنیه به تماس های سربازان و فرماندهان آنها پاسخ خواهد داد. این سوال ذهن همه مردم را می آزرده که چرا در حالی که فاصله زمانی جلریز و کابل کمتر از یک ساعت است، ولی نیروهای کمکی برای ساعت ها به کمک پسته های نیازمند کمک نرسیده اند؟

مسئله دیگر اینکه، چگونه بوده که حملات تنها بر پسته های صورت گرفته که افرادی از یک قوم خاص در آنها ایفای وظیفه می کرده اند. دیگر پسته ها از درگیری معاف بوده اند. و حتا ادعایی وجود دارد که موضوعات را کاملا مشکوک به نمایش می گذارد.

این افراد از هر طریقی که توانسته اند، درخواست کمک کرده اند. افراد زیادی سعی کرده اند از مقامات نظامی درخواست کمک نمایند تا این پسته ها سقوط نکنند. متاسفانه همه پاسخ ها در عمل منفی بوده است و کسی به کمک این پسته ها نرسیده است. آیا وزارت دفاع ملی و یا وزارت داخله هیچ ارتباط محکمی با پسته ها ندارند و در بروز هر حادثه ای باید از مراجع سیاسی و اجتماعی و مردمی واسطه شوند که کمک های نظامی به پسته برسند و آنها بر اساس تعلقات مشخص محاسبه شود.

به نظر می رسد دولت مردان در حکومت وحدت ملی بیش از آنچه باید، به زد و بند های سیاسی مصروف اند و نمی توانند به وظایف شان رسیدگی کنند و همین مسئله است که کابینه را در بدترین وضعیت امنیتی خالی از حضور وزیر دفاع ملی می سازد و با آنکه بیشترین نیاز به برگزاری انتخابات وجود دارد اما تا هنوز هم هیچ نشانه ای امیدوار کننده ای که از برگزاری انتخابات خبر دهد وجود ندارد. مصارفی که دولت برای بازی گیری ولسوالی ها و ولایات می کند را اگر قبل از آن برای تحکیم پایه های دولت در همان ولسوالی ها و ولایات انجام دهد مطمئنا هیچ گاهی این ولسوالی ها به سقوط نزدیک نخواهند شد.

اگر همین نظامیانی که روز گذشته در تشییع جنازه شهدای جلریز حضور داشتند و همان هلی کوپترهایی که جنازه های شهدا را به موطن شان انتقال دادند برای کمک به پسته های جلریز می شتافتند نه سنگری سقوط می کرد، و نه فاجعه ای رخ می داد. به هر صورت، این حادثه باید به صورت جدی و حرفه ای مورد بررسی قرار گیرد. تنها در این صورت است که می توان حداقل از تکرار چنین حوادثی جلوگیری کرد. در غیر این صورت، اگر همانند بسیاری از قضایای دیگر با مسامحه و چشم پوشی از این حادثه بگذریم، و به مواردی دیگر نیز که در شرف وقوع است بها ندهیم، باید منتظر تبعات و نتایج این گونه حوادث باشیم.



ماه رمضان در اعتقاد و باوره مسلمانان یکی از مبارک ترین ماه های سال(قمری) خوانده شده است. در این ماه مسلمانان بر اساس احکام و شریعت دینی دست به مساک زده و یک ماه تمام را از طلیعه صبح تا پدیدار شدن غروب روزه می گیرند. این اعتقاد مسلمانان مبتنی بر دستور خداوندی می باشد که در سنت پیامبر و متون دینی یاد شده و مسلمانان به آن فراخوانده شده است. باور به این است که هر یک از احکام و فرایضی که در دین اسلام بر آن تاکید گردیده و مسلمانان به آن ترغیب گردیده اند در ذات خود فلسفه و آموزه ای که بتواند سعادت و خوش بختی و رضایت فرد مسلمان را فراهم آورد نهفته است. بدون شک در راس این آموزه ها و خوش بختی ها و رضایات ها، تقرب و رضایت خداوند بلند مرتبه می باشد. اما این هرگز به معنای فراموشی و نادیده انگاشتن پیامدهای اجتماعی و فردی دستاتیر دین مبین اسلام نمی باشد. بنابر این همانگونه که ماه رمضان بعنوان یکی از ماه های پربرکت و فیض خوانده شده است و ضمنا مسلمانان در این ماه به انجام فریضه داری سخت روزه قرار دارد. در اینجا به صورت بسیار مختصر به برخی از این آموزه ها و پیامدهای سازنده اجتماعی رمضان و روزه اشاره می نمایم. ناگفته نماند که بعد از آن اشاره خواهیم داشت که متاسفانه مسلمانان قدر از این آموزه ها فاصله گرفته و حتا برخی از آن سوء استفاده نموده و تفکر و عمل آنان هیچ ارتباط و سنخیتی با آموزه های دینی و مذهبی مسلمانان ندارد. یکی از آموزه ها و پیامدهای اجتماعی رمضان و فریضه روزه اکرام ایتام و دستگیری از مستغندان می باشد. این رویه از سوری بزرگان و پیشوایان دین بخوبی و دقت عملی و رعایت گردیده و مسلمانان نیز به آن ترغیب گردیده اند. در ماه رمضان، دل هر اثر همسایگی با نور و کاستن از عوامل مادی، رنگ و بوی بیشتری

از محبت به خود می گیرد و زمینه گسترش شمیم خوش مهربانی در سراسر جامعه اسلامی پدید می آید. یکی دیگر از آثار اجتماعی روزه و آموزه های رمضان، درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است؛ زیرا با انجام این دستور دینی افراد برخوردار هم وضع گروستگان و معرومان اجتماع را به طور محسوس درمی یابند و هم با صرفه جویی در مصارف شبانه روزی خود می توانند به کمک آن ها بشتابند. هم چنین رمضان و انجام فریضه روزه به عنوان یک دستور مهم دینی آداب و فرهنگ ویژه خود را نیز دارد. نهداینه شدن این آداب و فرهنگ می تواند سایر آموزه های دینی را نیز نهادینه و بارور سازد. بنابراین روزه فرهنگ مخصوص خود را دارد و روزه داران در ماه مبارک رمضان، بیشتر با واژه های مربوط به این فرهنگ سروکار پیدا می کنند. طبق تحقیقات، در ماه مبارک رمضان، صدها واژه همگام با فرهنگ روزه به طور اخص و بیش از سایر ماه ها به کار برده می شود. واژه هایی چون تلاوت، صدقه، انفاق، خیرات، احسان، نماز، روزه، دستگیری، قرا، محبت، مهرورزی و... طبیعی به نظر می رسد که توسل و عملی شدن فرهنگ رمضان دست آوردهای قدری و اجتماعی دیگری را نیز بدنبال خواهد داشت. بطور نمونه بسیاری از کدورت ها و ناهنجاری های اجتماعی، بویژه در ارتباط های ناسالم با دیگران، ریشه در خودپرستی و خودشیفتگی دارد. در ماه رمضان، فرد روزه دار با روزه داری از پله خودپرستی خارج شده و پروانه وار گرد دیگر دوستان خود خواهد گشت. توجه به همسایگان، اصلاح کدورت ها، بازدید از اقوام و حضور در سفره های افطاری دیگران و... زمینه های پدیدآیی این ارتباط های سالم و سوده مند را فراهم می سازد. یکی از آموزه های مهم و اساسی رمضان و یکی از آثار سوده مند روزه در بخش اجتماعی تمیز احترام به قانون و دیگر افراد جامعه است. در جامعه ای که روزه به عنوان فریضه دینی مورد توجه است، همه افراد خود را موظف به خویشترداری و رعایت



غیرنظامی شامل زنان و کودکان می باشند. منابع یاد کرده اند که این رویداد خونین در منطقه لنج اتفاق افتاده است. در ادامه این جنایات و کشتارهای خونین توسط گروه ها و عناصر افراطی بنام اسلام در افغانستان نیز ده ها هم وطن در کابل، هلعند، جلال آباد، قندوز، میدان شهر، ارزگان، هرات، غزنی و دیگر ولایات بخاک و خون کشیده شده اند. تاسف در این است که طالبان و گروه نوظهور داعش در کشور همه این جنایت ها بنام اسلام مرتکب گردیده و در اولین مرحله مسلمانان بی گناه روزه دار را هدف قرار می دهند. حال معلوم نیست که هلال ماه مبارک رمضان فریضه کدام صحنه و رویداد جوامع اسلامی باشد؟ آیا وی شاهد بندگی و اطاعت روزه دارانی باشد که با وجود گرمی شدید هوا و بلندی روزها و مسقت زندگی به انجام فریضه الهی مشغول اند یا شاهد جنایت های تکان دهنده ای که توسط گروه های اسلامی نمای طالبان و داعش بوقوع می پیوندد؟

عوامل عقب ماندگی

محمد رضا رها

روز از روزها در جمعی، وضعیت تاسفبار کشور مورد بحث قرار گرفت. هرکس دیدگاه و نظر خود را پیرامون وضعیت جاری بیان میداشت، از جمله موضوعی که مورد بحث قرار گرفت این بود که آیا عقب ماندگی افغانستان عامل یا عوامل درونی دارد یا بیرونی؟ یعنی دست ها و قدرت هایی از بیرون، با ایجاد جنگ و بحران سازی نگذاشتند که کشور ترقی نماید و به این روزهای مصیبت بار مبتلا گردد یا اینکه بی کفایتی و عدم درایت حکومت ها و زمامداران کشور سبب گردید که افغانستان از قافله تمدن و ترقی عقب بماند؟ یا اینکه اساسا جامعه و مردم آمادگی و استعداد پذیرش از تحول و تغییرات جدید را نداشتند؟

از مجموع دیدگاهها و بحث هایی که صورت

بهران و گسترش ناامنی فقط و فقط به حضور نیروهای خارجی ارتباط دارد. اگر نیروهای خارجی کشور را ترک نمایند، امنیت برقرار شده و خشونت ها قطع خواهد شد. حال آنکه تجربه تاریخی و سیاسی نشان داده است که نه پس از شکست انگلیس ها افغانستان روی آرامش را دید و نه بعد از خروج نیروهای شوروی سابق؛ و هم اینک در تقاطعی از کشور که دولت و نیروهای خارجی حضور ندارند، مردم آن مناطق در ناامنی و تهدید بسر می برند. بنابر این اولین گام برای ریشه یابی عقب ماندگی و عدم توسعه کشور اینست که باید دخالت دادن یک عامل یا چند عامل محدود را از صفحه ذهن خود پاک نماییم و تصور خود را نسبت به آن اصلاح سازیم. در یک قضیه اجتماعی و سیاسی، آن هم در سطح ملی و منطقه ای به تناسب پیچیدگی و تنوع ساختار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن ممکن است همل و عوامل درونی و بیرونی مختلف دخالت داشته باشند.

گام دوم اینست که باید شاخص های روشن عقب ماندگی یا توسعه یافتگی و ناپایداری را روشن سازیم. روشن شدن این موضوع به ما کمک خواهد کرد که به همل و عوامل آن هم آسانتر دست پیدا نماییم. به تصور نگارنده این سطور شاخص های عمده عقب ماندگی و توسعه یافتگی و ناپایداری اجتماعی و سیاسی کشور عبارتند از: فقدان حاکمیت ملی (دولت باکفایت)،



بهرمان و گسترش ناامنی فقط و فقط به حضور نیروهای خارجی ارتباط دارد. اگر نیروهای خارجی کشور را ترک نمایند، امنیت برقرار شده و خشونت ها قطع خواهد شد. حال آنکه تجربه تاریخی و سیاسی نشان داده است که نه پس از شکست انگلیس ها افغانستان روی آرامش را دید و نه بعد از خروج نیروهای شوروی سابق؛ و هم اینک در تقاطعی از کشور که دولت و نیروهای خارجی حضور ندارند، مردم آن مناطق در ناامنی و تهدید بسر می برند. بنابر این اولین گام برای ریشه یابی عقب ماندگی و عدم توسعه کشور اینست که باید دخالت دادن یک عامل یا چند عامل محدود را از صفحه ذهن خود پاک نماییم و تصور خود را نسبت به آن اصلاح سازیم. در یک قضیه اجتماعی و سیاسی، آن هم در سطح ملی و منطقه ای به تناسب پیچیدگی و تنوع ساختار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن ممکن است همل و عوامل درونی و بیرونی مختلف دخالت داشته باشند.

گرفت، دو نظر همده وجود داشت: عده ای بدین باور بودند که عامل عقب ماندگی کشور قدرت های استعماری و خارجی هستند. آنان دوست ندارند و نمی گذارند که افغانستان ترقی و پیشرفت نماید. قدرت های استعماری با شنیدن بذر نفاق و تفرقه و ایجاد جنگ های مختلف سبب گردید که مردم ما گرفتار بحران های فرازبانده ای گردند. حتا استعمارگران کوشیدند که بر این زمامداران و حاکمان خودکامه، اما مزدور و بیگانه پرور مردم و کشور را از هر جهت در فقر و انزوا و بیچارگی نگهدارند. دیدگاه دیگر برخلاف نظر اولیه بر این باور بود که عامل عقب ماندگی کشور بی کفایتی و خودکامگی زمامداران خودسر بود. حاکمان قدرمدمی که دانش و استعداد لازم برای اداره کشور نداشتند، با شیوه های غیرمردمی و بدور از تمدن سبب گردیدند که کشور اینگونه در دام فقر و عقب ماندگی و در نهایت در کام بحران های برآمده از درون چنان محرومیت هایی فرو رود. از جانب دیگر همین زمامداران ضد مردمی سبب گردیدند که پای استعمارگران خارجی در کشور باز گردد. از آنجایی که حکومت های مستبد نفوذ و مشروعهیتی در جامعه نداشتند برای بقای قدرت و حاکمیت خویش مجبور بودند به نیروی بیرونی متکی باشند. این عامل سبب گردید که پای استعمارگران بدون کشور باز شود. ورود استعمارگران و قدرت های خارجی موجب گردید که آنان برنامه های استعماری خود را مرحله به مرحله به اجرا بگذارند. در نهایت همه این عوامل دست بدست هم داده موجب عقب ماندگی و محرومیت و بحران زدگی کشور گردید.

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سرمدیر: حقیقت الله زکی
- کارکاتوریست: خالق علی زاده
- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN